

اسرار و معارف حج

نکته بعدی آن است که ائمه - علیهم السلام - از وجود مبارک رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - نقل کرده اند که: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - علامت قبولی حج را به زائران بیت خدا گوشزد کرد و فرمود: اگر کسی به حج موفق شد، زیارت خانه خدا نصیبش گردید و برگشت و انسان صالحی شد، دیگر دستش به گناه و پایش به اشتباه دراز نشد، این نشانه قبولی حج او است. و اگر بعد از زیارت خانه خدا باز تن به تباهی و گناه داد نشانه مردود بودن حجش می باشد. این نکته می تواند به نوبه خود بیانگر سر حج باشد. زیرا اسرار عبادتهای ما در قیامت ظهور می کند که روز ظهور باطن است. در آن روز، هر انسانی می فهمد کار او مقبول است یا مردود. و سر رد و قبول را هم مشاهده می کند. نه تنها نتیجه را، که دلیل را هم می بیند. در قیامت هم قبول و هم نکول مشهود است، همچنین هم سر قبول و هم سر نکول. چون روز ظهور حق و فاش شدن اسرار است «یوم تُبَلَى السَّرَائِر»^۲. اگر کسی در دنیا توانست به مرحله ای برسد که نظیر قیامت بفهمد حجش مورد قبول واقع شده یا نکول، این شخص به گوشه ای از اسرار حج رسیده است، و قهراً سبب

قبولی یا رد عمل را هم بررسی می کند. مضمون حدیثی که از وجود مبارک پیامبر - ص - رسیده اینست: اگر کسی خواست ببیند حج او مقبول است یا نه، ببیند بعد از برگشت از بیت الله، دست به گناه دراز می کند یا نه؟ اگر گناه نمی کند نشانه قبولی حج است و اگر باز گناه انجام می دهد نشانه مردود بودن آن می باشد. این معنا در سایر عبادت ها نیز هست؛ مثلاً درباره نماز گفته شد: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۳. نماز یک حقیقتی دارد که جلوی اراده های زشت را می گیرد. گرچه خود نماز یک امر اعتباری است ولی حقیقت آن یک امر تکوینی است. اگر کسی خواست کاری را انجام دهد مبادی نفسانی دارد، زیرا آن را می فهمد تصدیق پیدا می کند، شوق و عزم و اراده و مانند آن پیدا می شود. حالا آیا علم به «باید» هم هست یا همان «اراده» کافی است. این یک مطلب فنی جدایی است و همه اینها جزء امور تکوینی می باشند.

نماز، برای نمازگزار یک نقش تکوینی دارد؛ یعنی انگیزه ها، اراده ها، شوقها، تصمیمها و عزمهای او را تعدیل می کند که نسبت به خیر مصمم باشد و نسبت به شر بی رغبت. چیزی که در محور تصمیم گیری

أَقَلَّ الْحَجَّيجِ وَ أَكْثَرَ الضَّحِيجِ». فرمود:
ابی بصیر! حاجیان کم، ناله و فریاد و سر و
صدا زیاد است.

حج حقیقت انسان را می سازد

حج، سرّی دارد که صور نفسانی آن،
حقیقت انسان را تأمین می کند.

حقیقت هر کسی را عقاید، اخلاق،
اعمال و نیات او می سازد. حج، انسان ساز
است. و اگر کسی حاجی راستین نبود انسان
واقعی نیست. سایر دستورات دینی نیز این
چنین است، نماز، روزه و عبادت‌های دیگر،
انسان سازند. و اگر کسی به حقیقت نماز و
سرّ روزه راه نیافت از انسانیت سهمی
ندارد. صورتش صورت انسان است ولی
سیرتش سیرت حیوان. همان که در نهج
البلاغه آمده است. حضرت امیر - سلام الله
علیه - طبق این نقل فرمود: «فَالصَّوْرَةُ
صَوْرَةُ إِنْسَانٍ وَالْقَلْبُ قَلْبُ حَيْوَانٍ». قلب
یعنی حقیقت آدمی. آن لطیفه الهی، آن
روح. فرمود: روح، روح حیوانی است اما
در بدن انسان؛ یعنی قیافه قیافه آدم است
ولی حقیقت حقیقت حیوان. آنچه که
حقیقت انسان را تأمین می کند، یا به
صورت انسانیت، یا به صورت حیوانیت،
همان عقاید، اخلاق و اعمال است.

انسان، سهم تکوینی دارد، حقیقت نماز
است. آنچه که در انسان شوق به شرف و
شرع و فضیلت ایجاد می کند، حقیقت نماز
است. همین معنی در حج نیز هست، این
روح حج است که امر تکوینی است و
جلوی انگیزه‌ها و اراده‌های زشت را
می گیرد.

نکته سوم آن است که، ابوبصیر نابینا
می گوید: سالی مکه مشرف بودم که وجود
مبارک امام باقر، محمد بن علی - علیهما
الصّلات و السلام - نیز مشرف بود. من از
نشانه‌ها و علامتهایی که از راه حواس دیگر
- غیر از باصره - احساس می کردم، فهمیدم
زائران زیادند. گفتم: «مَا أَكْثَرَ الْحَجَّيجِ وَ
أَعْظَمَ الضَّحِيجِ!»، با تعجب گفتم: چقدر
امسال زائر زیاد است و چه ناله‌ها دارند،
در سرزمین عرفات همه مشغول دعایند.
در اطراف کعبه همه مشغول طواف و نماز و
زمزمه و اذکار و اشواط سبعة و...!

امام باقر - سلام الله علیه - به ابی بصیر
فرمود: چنین نیست، ابی بصیر! جلویا.
ابی بصیر به امام نزدیکتر شد، دست مبارک
امام باقر - سلام الله علیه - به چشم ابی بصیر
رسید. ناگهان وی صحرای وسیعی را دید
که بسیاری از موجودات آن صحرا حیوان
بودند، بر این اساس، حضرت فرمود: «ها

منطبق کرده‌اند فرمود: ما بندگان حقیم. از عبادت خدا استکباری نداریم و خسته هم نمی‌شویم و در پیشگاه حق مُتقاد، مسلم، مسلمان و مطیعیم.

نکته دیگر از همین قبیل، سدید سیرفی می‌گوید: در سرزمین عرفات محضر امام ششم بودم، دیدم جمعیت زیادی مشغول انجام وظیفه حج، دعا و مانند آنند. در قلبم خطور کرد: آیا اینها به جهنم می‌روند؟ و این همه جمعیت بر ضلالت و گمراهی‌اند؟ - چون کسی که معتقد به ولایت و امامت علی و اولاد علی - علیهم السلام - نباشد و کسی که دستور روشن پیغمبر - صلی الله علیه و آله - را عالمأ و عامداً زیر پا بگذارد، حقیقتش حقیقت انسان نیست. - آنگاه امام صادق - سلام الله علیه - به من فرمود: «سَدِیر تَأْمَلُ» تأمل کن. دقت کردم، دیدم در اثر تصرفی که امام ششم در من کرد، باطن بسیاری از افراد را می‌بینم که به صورت انسان نیستند. و وضع من دوباره به حالت اول برگشت.

پس حج سَری دارد که سیره، حقیقت و سریره انسان را می‌سازد. اگر کسی با واقعیت حج همراه بود، انسان راستین است.

و اگر برای تجارت و سیاحت، حج

حج سَری دارد که سریره انسان با سَری حج هماهنگ است و ساخته می‌شود. لذا وجود مبارک امام باقر - سلام الله علیه - به ابی بصیر فرمود: بسیاری از اینها که می‌بینی حیوانند. البته زائران بیت خدا که از کشور و منطقه‌های شیعه نشین حرکت می‌کنند باید خوشحال و مسرور باشند؛ چون به برکت ولایت از این سَری و خطری که ابی بصیر دید مصونند.

این نکته‌ای بود که امام باقر - سلام الله علیه - به ابی بصیر فرمود. آنگاه دستی به چشم ابی بصیر کشید و ابی بصیر به حالت اول در آمد و افرادی را که در عرفات بودند به صورت انسان دید. بعد به ابی بصیر فرمود: ابی بصیر! ما اگر این کارها را که نسبت به تو کردیم نسبت به دیگران هم بکنیم، دیگران هم اسرار مردم را بفهمند و ببینند که در صحنه عرفات چه خیر است، ممکن است ظرفیت نداشته باشند و درباره ما، بیش از اندازه‌ای که هستیم غلو کنند. ما بندگان خداییم، عبیدیم، «لَا تَسْتَكْبِرُ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا تَنْسَهُ مِنْ عِبَادَتِهِ». همان وصفی که خداوند برای فرشتگان و مقربین و انسانهایی که الهی هستند در پایان سوره اعراف بیان کرد، همان بیان را امام باقر - سلام الله علیه - درباره خودشان

نیست؛ چرا که ولایت سر عبادتهاست و انسان ساز است.

بنابراین، طبق روایات نقل شده، دستورات دینی ظاهری دارد و باطنی که باطنش با جان ماکار دارد.

دیگران که مسأله اخلاق را در حد ملکات «فاضله» یا «رذیله» تبیین می‌کردند، مسأله تجسم خود انسان و تجسم انسان به صور ملکات نفسانی را نمی‌توانستند تبیین کنند. گرچه نقل می‌کردند و تعبداً می‌پذیرفتند که بعضی از افراد به صورت حیوان محشور می‌شوند، ولی راه علمی نداشتند. اما بر اساس دو مبنای حکمت متعالیه: «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء» و «حرکت جوهری»، به خوبی می‌توان برای این روایات یک راه علمی درست کرد، و می‌توان پی‌برد که چگونه یک شخص به صورت حیوانیت حرکت می‌کند یا به صورت انسان حرکت می‌کند، واقعاً می‌شود حیوان، در عین حالی که انسانی است که حیوان شده است. نه اینکه یک حیوانی می‌شود در عرض انسان، نظیر حیوانات دیگر و گرنه آن عقوبت و کیفر نبود بلکه یک حیوانی است در طول انسان؛ یعنی میمون انسان‌نما، خوک انسان‌نما، گرگ انسان‌نما و سگ

کرده و از ولایت سهمی نداشت، به عترت طاهره ایمان نیاورد و... از سر حج محروم است.

نقش کلیدی ولایت

مسأله ولایت، نقش کلیدی دارد. لذا در روایات ما آمده است که: والی، دلیل و راهنمای خطوط کلی دین است، اگر نماز، روزه، زکات، حج و عبادتهایی مانند اینها، پایه‌ها و مبانی دین هستند، والی دلیل و مجری و مبین و مفسر و نیز حافظ حدود اینهاست. متخلفین را مجازات و امتثال کنندگان تأیید و تشویق می‌کند. در نتیجه حدود الهی را حفظ می‌نماید.

وجود مبارک پیغمبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي». در وصیتنامه حضرت امیر - سلام الله علیه - نیز آمده است که: «أَقِيمُوا هَذَيْنِ الْعَمُودَيْنِ وَ اقْدُوا هَذَيْنِ الْمَصْبَاحَيْنِ»؛ یعنی این دو ستون قرآن و عترت را سر پا نگهدارید و این دو مشعل فروزان را همچنان افروخته و روشن کنید که کارتان به دست اینها انجام گیرد. اینها رهبران الهی هستند. اگر کسی حقیقت ولایت را عمداً رها کند، گرچه به نماز، روزه، زکات و حج هم موفق بشود انسان

انسان‌نما و مانند آن.

مطلب دیگر آن است که: در جریان حج، ذات اقدس اله فرمود: «فیه آیات یتینات»^۴. گرچه در بسیاری از موارد مراد از آیه، اصل و علامت است ولی درباره حج فرمود: «آیات یتینات». آیات فراوانی در مسأله حج است. زائران بیت‌الله در حج نشانه‌های زیادی می‌بینند. گاهی کسی نه به قصد حج یا عمره، بلکه به قصد تجارت به مکه و مدینه می‌رود. آن آیات تکوینی مثل آسمان و زمین و خصوصیت‌های جوّی، فضایی، اقلیمی و مانند آن برای همه است. اما یک سلسله دستورات به عنوان مناسک

حج است که عدّه زیادی از راه دور و نزدیک آنجا سر می‌سایند. در خود حج، آیات الهی است، کعبه جزء آیات الهی است. حجرالأسود، جزء آیات الهی است. مقام ابراهیم جزء آیات الهی است. اینکه سرزمین غیر ذی زرع به جایی برسد که: «فاجعل أفئدةً من الناس تهوی اليهم»^۵. دل‌های عده‌ای مشتاقانه علاقه‌مند به کعبه و زیارت خانه خدا و حرم خداست، جزء آیات الهی است... البته این نیازی به شرح جداگانه دارد.

عَفَّرَ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ وَالسَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَ
رَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

قم ۱۳۷۱ هجری شمسی



پاورقی‌ها:

۱. آل عمران: ۹۷.
۲. طارق: ۹.
۳. عنکبوت: ۴۵.
۴. آل عمران: ۹۷.
۵. ابراهیم: ۳۷.